

## نقد و نظر

### زبانهای جهان<sup>۱</sup>

نوشته: کینت کاتسнер<sup>۲</sup>

ترجمه: رضی هیرمندی (خدادادی)<sup>۳</sup>

بررسی و نقد: ناهید بنی اقبال

#### چکیده:

مطلب حاضر به بررسی و معرفی اجزای مختلف کتاب «زبانهای جهان»، ذکر موارد استفاده هر کدام از این اجزا و توصیف کیفی اعم از سبک و سیاق کار مترجم و سهوهای جزئی که احتمالاً ناشی از چاپ است می‌پردازد. اهمیت کتاب «زبانهای جهان» از دو نظر قابل ذکر است: اول اینکه متنی خواندنی است برای زبان‌شناسان، زبان‌دانان، علاقه‌مندان به ادبیات و خط کشورهای جهان. دوم اینکه کتاب مرجعی است که به صورت ابزار کار کتابداران از قبیل فهرست‌نویسان، متخصصان رده‌بندی و به‌طور کلی، دانشجویان کتابداری به کار می‌رود.

کتابها به جهات مختلف از جمله به لحاظ مخاطبین خود گوناگونند. برخی کتابها برای «عامه» خوانندگان نوشته می‌شوند و برخی دیگر متخصصان یک رشته

---

1- The Languages of the world

2- Kenneth Katzner

۳- از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶، ۴۳۵، صفحه.

۳- عضو هیات علمی و رییس مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

کتابداری / دفتر ۲۹-۲۸، سال ۱۳۷۷

را در نظر دارند. کتابهایی هم هستند که مطالب تخصصی را به گونه‌ای عرضه می‌کنند که خوانندگان غیر متخصص نیز تا حد امکان از آن بهره‌مند می‌شوند. کتاب «زبانهای جهان» از نوع اخیر است. یعنی کتابی است که زبان‌شناسان، زبان‌دانان، حامیان ادبیات کشورهای بیگانه، آن هم از نوع تطبیقی آن، و طرفداران خط و خط‌شناسی آن را از ابتدا تا به انتها می‌خوانند و کتابداران، فهرست‌نویسان، متخصصان رده‌بندی و دانشجویان کتابداری بارها و بارها برای یافتن خانواده، ریشه و یا نام معادل زبانها به آن مراجعه می‌کنند. از اینرو، لازم است مروری بر تقسیم‌بندی بخشها و فهرست عناوین کتاب به عمل آید و ساخت و پرداخت مطالب و کم و کیف محتوای آن بررسی گردد.

کتاب از سه بخش مجزا و به هم پیوسته تشکیل شده، به گونه‌ای که هر بخش می‌توانست کتاب یا کتابچه مستقلی باشد. بخش نخست که پس از دیباچه مترجم، تقریظ موجز و روشنگر چارلز برلیتز<sup>۱</sup> و پیشگفتار مؤلف آغاز می‌شود، مروری است بر خانواده‌های زبانی جهان که براساس دستاوردهای زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی، زبانهای مهم و معروف را به گروههای خانوادگی مختلف تقسیم کرده و شرح مختصر و مفیدی در مورد هریک از خانواده‌ها و زیرگروههای آنها به دست داده است.

در بخش دوم که حدود دویست زبان را دربر می‌گیرد، ابتدا قطعه‌ای از ادبیات منشور یا منظوم هر زبان باخط مخصوص به آن زبان آورده شده که این قطعه در متن اصلی کتاب توسط مؤلف به انگلیسی برگردانده شده و مترجم به ترجمه آن از انگلیسی همت گمارده است، ترجمه این قطعه‌های دور افتاده از متن و بافت اصلی آنها کاری «طاقفروسا» بوده است. زیرا برخی از مترجمین تک‌زبان و تک‌سبکند یعنی در ترجمه آنها چخوف همان گونه سخن می‌گوید که جویس، و همینگوی و یا راسل و سارتر و مارکز و پاز و حتی هومر. به عبارت دیگر، همه نام آوران عالم ادبیات به یک زبان، آن هم به زبان مترجم، نوشته و می‌نویسند. لیکن مترجمینی هم هستند که بیش از آنکه شیفته سیاق نویسنده‌گی خود باشند به کشف و باز آفرینی

سبک و زبان و حتی لحن و بیان نویسنده اصلی می‌پردازند. برای محک زدن کار مترجم «زبانهای جهان» از این نظر کافی است به مقایسه معدودی از قطعه‌ها پردازیم تا میزان تلاش و موفقیت وی در این عرصه بهتر نشان داده شود.

مترجم زمانی که به ترجمه متنی از انگلیسی باستان اثر «بئوولف»<sup>۱</sup> می‌پردازد، نثر حماسی معادل متون فارسی همزمان او را انتخاب می‌کند (ص ۴۸) و آن‌گاه که به متن بیتکلف و روزمره زبان «رمانیایی» می‌رسد، نثری ساده و روزنامه‌نگاری را برمی‌گزیند (ص ۱۰۶). نثر نمونه مکاتباتی «کریایی» را با همان سبک و سیاق روزنامه‌نگاری می‌نگارد (ص ۲۸۶). ماده‌ای از اعلامیه حقوق «چوکتویی» را با بیانی قضایی و حقوقی ترجمه می‌کند (ص ۲۹۶)، و بالاخره تلاش می‌کند اشعار شاهد زبان را با شعرگونه‌ای به زبان فارسی برگرداند (ص ۱۷۹ و ص ۲۵۰).

بخش سوم فهرستی الفبایی از کشورهای جهان به دست می‌دهد که در آن، نام زبانهایی که در هر کشور تکلم می‌شود با تعداد گویندگان، هریک از آنها آمده است. این بخش نه تنها مرجعی برای زبان‌شناسان بلکه برای جهانگردان و علاقه‌مندان به زبانهای گوناگون جهان نیز هست. بجاست در همین جا یادآوری شود که بهتر است در چاپهای بعدی با استفاده از منابع مختلف یا به طریق اولاً براساس ویرایش جدید متن اصلی کتاب (که با توجه به چاپهای مکرر آن می‌باید تاکنون ویرایش تازه‌ای از آن منتشر شده باشد)، آمارهای مربوط به شمارگویندگان روزآمد شود.

در پایان کتاب واژه‌نامه انگلیسی به فارسی، نام زبانها، و به دنبال آن راهنمای زبانها و خانواده‌های زبانی گنجانده شده است. اهمیت واژه‌نامه ترجمه شده به فارسی، مخصوصاً از آن جهت است که مطابق گفته مترجم در دیباچه کتاب، تاکنون در دائرةالمعارفها، فرهنگ لغتها، کتابها و مقالات کتابشناختی، معیار یکدست و نظام‌پذیری برای ضبط اعلام زبانی - لاقفل از انگلیسی به فارسی - به کار نرفته است. مترجم برای نخستین بار، با همراهی دکتر علی محمد حق شناس، ملاکهایی

برای معادل‌یابی و برگردان آوایی زبانها به دست داده و بر مبنای آن، معادل‌هایی برای نزدیک به ۱۰۰۰ زبان یاد شده در کتاب ساخته و از این نظر کتاب را برای استادان زبان‌شناسی، مترجمین، و کتابداران قابل استفاده کرده است. اهمیت این کار بویژه از آن روست که برای ۴ تا ۶ هزار زبان دیگری هم که نام آنها در کتاب ذکر نشده، از این پس، می‌توان معادل‌های ملاک‌داری عرضه کرد. در نظر داشتن این ملاکها و نیز استفاده از معیارهایی که در برخی مراجع دیگر از قبیل «شیوه‌نامه ضبط اعلام انگلیسی و فارسی»<sup>۱</sup> آمده می‌تواند در جلوگیری از تشتت و پراکندگی اعلام در فارسی سهم بسزایی داشته باشد.

در زمینه کار مترجم جادارد بگوییم که وی دخل و تصرفهای «ملی‌گرایانه‌ای» نیز در انتخاب متون ادبی انجام داده است که شمار آنها از رقم سه نمی‌گذرد، و البته مترجم به جهت رعایت حفظ امانت در دیباچه کتاب، از این تغییرات به شرح زیر یاد کرده است:

«باید افزود که انتخاب نمونه‌های بلوچی، آذربایجانی و ترکمنی و نیز شرح زبان بلوچی از این نگارنده است.» بهتر آن بود که مترجم دو قطعه افزوده شده به زبانهای آذربایجانی (ص ۱۳۸) و ترکمنی (ص ۱۵۲) را که بترتیب از سروده‌های شهریار و مختوم‌قلی است، بعد از متنهای منتخب کاتسرنر می‌آورد و نام نویسنده آذربایجانی (آذربایجان شوروی سابق) یعنی عزیز جعفرزاده را نیز ذکر می‌کرد. (البته برای نمونه ترکمنی منتخب کاتسرنر هم نام نویسنده مشخصی ذکر نشده). گنجاندن شرح و نمونه زبان بلوچی در ترجمه کاری بسیار بجا بوده است. زیرا در حالی که کتاب برای گویندگان زبان فارسی ترجمه شده، انصاف نبود که شرح زبان آلتوتی با ۲۰۰۰ گوینده آورده شود و زبان بلوچی با نزدیک به ۵ میلیون گوینده باجمال برگزار شود.

از موارد سلیقه‌ی ترجمه که بگذریم چند مورد لغزش و افتادگی مختصر در ترجمه ملاحظه شد: در صفحه ۵۳ قبل از مصرع «به کاروانسرا در آمدند.» کلمه

۱ - صدیق بهزادی، ماندانا: شیوه‌نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی. تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی، با همکاری

**night** (شبه‌نگام) ترجمه نشده یا در چاپ افتاده است. در صفحه ۲۳۴ آمده که «این روند، احتمالاً و بیقین مستلزم رنج و اصطکاک فراوان خواهد بود» بهتر بود چنین ترجمه می‌شد: «این روند ممکن است با رنج و فرسایش فراوان همراه باشد که بیقین چنین خواهد بود»

کتاب به دو صورت با جلد شمیز و جلد محکم (کالینگور) زرکوب در هیأتی آراسته چاپ شده و مسلماً وجود چند سهو و غلط چاپی که ذیلاً از نظر می‌گذرد، از ارزش والای کار ناشر و مترجم نمی‌کاهد.

نادرست	در صفحه	و درست آن
نظامند	هفت	نظاممند
استفاده کافی	۱	استعاره کافی
زبانهای غیر هندی و اروپایی	۱۸	زبانهای غیر هند و اروپایی
انگلیسی نیز باورد	۵۳	انگلیسی نیز باورود
جلوی پایم	۱۶۹	جلو پایم
پیشوند in	۳۶۱	میانوند in
Mandarian	۴۳۲ و ۴۱۰	Mandarin

در پایان، بد نیست از چارچوب رسمی نقد و بررسی خارج شده، به حرفهای کتابدارانه پرداخته شود و نقدی هم برنام مترجم بیان شود. تا آنجا که از شواهد و مستندات مکتوب برمی آید مترجم در تالیفات و ترجمه‌های پیشین خود از نامهای دیگری از جمله «رضی هیرمندی» (در ترجمه این منم واکین، درخت بخشنده، توصیف مقابله‌ای زمانها در انگلیسی و فارسی و...) استفاده کرده است؛ در برخی مقالات نام «رضی خدادادی» را برگزیده و در آثار اخیر خود (مانند از شکوفه تا درخت، تعلیم و تربیت علمی برای همگان و همین زبانهای جهان) نام رضی هیرمندی (خدادادی) را ذکر کرده است. حال، پیشنهاد این است که اگر مترجم محترم بنا ندارد به این زودی تکلیف خود را با خود و خوانندگان خود درخصوص این پراکندگی اسمی مشخص نماید، حداقل تکلیف فهرست‌نویسان و کتابداران را

روشن کند. برای این مقصود جسارتاً پیشنهاد می‌شود در آثار بعدی خود به نام رضی خدادادی که ظاهراً به نام اصلی ایشان نزدیکتر است بسنده نمایند و حداکثر برای حفظ سابقه، نام مستعار «هیرمندی» را به داخل پرانتز هدایت کنند. امید آن که مترجم محترم این دخالت تعیین اسم اشهر را که به لحاظ عرق و حمیت کتابداری انجام شد، برگارنده ببخشایند.